

نگاه



عکس نوادگان
نادر شاه افشار در
سال ۴۷ در کنار
بقعه مشهور به
هارونیه

پنجشنبه | ۲۸ دی ۱۳۹۶ | شماره ۲۲۲

تاریخ نگاری

توس در گذرگاه تاریخ

توس در زمان پارت‌ها (اشکانیان)

در زمان پارت‌ها نسا و ایبورد یا دامغان مرکز حکومت و توس همواره بخشی از قلمرو آن‌ها و دیاری حائز اهمیت بوده است.

توس در زمان ساسانیان

درگیری مهم ساسانیان با پارت‌ها به قوی در مجاورت توس روی داده و پس از آن توس یکی از ایالات مهم ساسانیان شده است.

توس در سده‌های اولیه اسلامی

هم‌زمان با یورش تازیان و شکست سپاهیان یزدگرد سوم، در توس مرزبانی حکومت داشت که در متون از وی تنها با عنوان «کنارنگ توس» یاد شده است. یزدگرد به قصد پناه بردن به نقطه‌ای امن و یاری خواستن از امیران محلی ایران در صدد سفر به توس برآمد.

توس در زمان طاهریان

هم‌زمان با مرگ هارون و شهادت امام رضا (ع) حکومت خراسان بزرگ از جانب مامون به طاهریان سپرده شد. طاهریان به دستگاه خلافت عباسی وفادار بودند، با این همه توس در آن روزگار نبضی تنیده داشت و سمبل گرایش‌های قومی ایران محسوب می‌شد.

توس در عهد سامانیان

باشکوه‌ترین روزگار توس در دوره اسلامی بدون تردید در سده چهارم یعنی زمان حکومت سامانی و مقارن با روزگار فردوسی گذشته است.

توس در زمان غزنویان

توس در دوره حکومت سلطان محمود غزنوی به سپهسالار ارسلان رسید و در آن دوره از اهمیت سیاسی و فرهنگی برخوردار بود و همچون غزنه و بلخ و نیشابور یکی از مراکز چهارگانه امپراتوری غزنویان به شمار می‌رفت.

توس در عهد سلجوقیان

سلجوقی‌ها به سبب آنکه قومی متشکل از چند طایفه و عشیره بودند و رهبر واحدی نداشتند، توس در زمان آن‌ها دیگر ولایتی مرزی به حساب نمی‌آمد و فقط سرزمینی بود در قلب امپراتوری سلجوقی. خبری نه چندان موثق، ساخت اولین بنا بر گور شاعر حماسه سرای ایران را به ارسلان جاذب نسبت می‌دهد.

مغول و توس

گرچه چنگیز خان مغول خود به توس نیامد اما فرزند او تولی و دیگر سردارانش این ولایت را غارت و ویران کردند.

تیموریان و آخرین ضربه

چون مردم توس به راحتی تسلیم سپاه تیمور نشده بودند، جلال الدین میرانشاه، فرزند بی‌رحم و دیوانه تیمور، توس را فتح و مردم آن را قتل عام کرد.

توس در زمان ناصرالدین شاه قاجار

آصف‌الدوله، والی خراسان در زمان ناصرالدین شاه قاجار با همت مردم بنایی بر سر قبر فردوسی با آجر ساخت اما چندی بعد رو به ویرانی نهاد.

توس در عهد رضاشاه

در زمان رضاشاه گروهی ماموریت یافتند به توس بیایند و به احداث بنایی باشکوه بر گور شاعر حماسه سرای ایران بپردازند. بنای آرامگاه فردوسی در سال ۱۳۱۳ افتتاح شد.

درنگ

فرهنگ چهاربرج قدیم از زبان مرتضی شبانی

«بخو» جای خود را به قفل داد

پدر بزرگم قفلی قدیمی از سال ۱۲۶۵ دارد به نام بُخو.

آهنگران قدیم برای بستن پای اسب این قفل را درست کردند و چون به محض بستن به پای اسب، حیوان چاره‌ای جز نشستن و خواب‌داشت، اصطلاحاً به آن می‌گفتند بُخو (در زبان مشهدی یعنی بخواب).

بعدها آهنگران، قفل‌هایی هم برای در خانه‌ها درست کردند که خیلی به بخو شباهت نداشت اما باز هم مردم آن را به همین نام می‌شناختند. با واردات قفل در زمان شاه، کم‌کم آهنگرهای بیکار شدند و بخوها جای خود را به قفل‌های خارجی دادند.



مشاهیر توس

مسافر هند
همراه با آذری اسفراینی توسی، مردی تی توچه به زر

آذری اسفراینی توسی، فرزند حمزه بن عبدالملک توسی، یکی از سرداران اسفراین بوده که طبق اسناد تاریخی مندرج، در روزگار عبدالرحمن جامی و امیر علی شیرنوابی می‌زیسته است. او در دوران جوانی به شاعری روی آورده و در این هنر به شهرت بسیار نیز رسیده است. مدتی به رسم سلوک، راهی سفر حج شده و بعد از آن مسافر هند می‌شود. از آنجا که مردی عارف و فاضل بوده است، چندی نمی‌گذرد که یکی از مجبان آن دیار می‌شود و چشم و چراغ خاص و عام. تاریخ‌نویسان در شرح حالش آورده‌اند که فضل و پارسایی او به آن خدمی رسد که دهان از مصاحبت با عوام می‌بندد و تنها به ذکر و گفت‌وگوی اهل... روی می‌آورد تا آنجا که احمدپادشاه برای آزمودن او یک لک روپیه که معادل ۵۰ هزار درهم بوده را برای یک بار سجده کردن او پیشنهاد می‌دهد اما با مخالفت آذری توسی مواجه می‌شود. بعد از این ماجرا

اودوباره به ایران بازمی‌گردد و ۳۰ سال تمام در سجاده عبادت می‌نشیند و در به‌روی آشنا و بیگانه می‌بندد. تنها یک بار به درخواست سلطان زاده اعظم سلطان محمد بن بایسنقر که برای دیدار وی آمده، از منزل خارج می‌شود. سلطان زاده مقداری زربیش پای اومی ریزد اما او هیچ اعتنایی به آن نمی‌کند. مولانا مجاهد هندی، یکی دیگر از علمای عصر، که در آن لحظه ملازم شاه بوده است، مشتی از طلاها را برمی‌دارد و می‌گوید: «ای شیخ! تو این مال بر خود حرام کرده‌ای. خدای تعالی بر من حلال کرده است.» شاه به این گفته می‌خندد و می‌رود. وی در سال ۸۶۰ ه. ق. در هشتاد و دو سالگی درود حیات می‌گوید. از آذری اسفراینی توسی تالیفات زیادی بر جای مانده است که جوهر الاسرار، سعی الصفا، طغرای همایون و عجائب الغرائب از جمله آن‌هاست.

برگرفته از کتاب نام‌آوران طوس